

جهاد و شهادت، منتهای خدمتگزاری به انسانیت

حسن فضل^۱

چکیده

خدمت، تلاش برای خیررساندن به دیگران یا گره‌گشایی از کار مردم یا یآوری نیازمندان است. در دین مبین اسلام به خدمت‌رسانی تأکید و سفارش فراوان شده است. حتی بنا به فرموده پیامبر اکرم (ص) کسی که فریاد مسلمانی را بشنود و برای خدمت به او گام بردارد، مسلمان نیست. اکنون این مسئله مطرح می‌شود که بالاترین خدمت به بشر چیست و این خدمت‌رسانی چه ویژگی‌هایی دارد؟ نگارنده در این پژوهش بر آن است که با بهره‌مندی از منابع مکتوب از قبیل آیات قرآن کریم و احادیث معصومان (ع) و به روش توصیفی، جهاد و شهادت را والاترین خدمت به بشر معرفی کرده و در پی آن جنبه‌های گوناگون الگو بودن مجاهد و شهید را بررسی و تبیین کند. بدون شک جان آدمی بالاترین و برترین موهبت الهی است که حق تعالی در اختیار او قرار داده است و در این جهاد مقدس گاه ممکن است که افراد جانانشان را از دست بدهند و در زمره شهیدان قرار بگیرند؛ بنابراین جهاد و شهادت اوج خدمتگزاری به انسان‌هاست.

واژگان کلیدی

اسلام، خدمتگزاری، الگوها، جهاد، شهادت، مجاهد، شهید.

۱. دانش‌آموخته دکتری الهیات و معارف اسلامی، تاریخ و تمدن ملل اسلامی، مدرّس مدعو مؤسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران.
HF_1967_T@YAHOO.COM

❖ مقدمه

واژه خدمت به معنی سعی و تلاش برای نیکی به دیگران یا گره‌گشایی از کار آن‌ها و یاری نیازمندان و درماندگان است. فاعل این کار خدمتگزار یا خادم است که جایگاه ارزشمندی دارد. سعدی سروده است:

تو کز محنت دیگران بی‌غمی نشاید که نامت نهند آدمی

این شعر نیز از اوست:

عبادت (طریقت) به جز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلخ نیست

و نیز از پوریای ولی است:

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن به دمی، یا درمی، یا قلمی، یا قدمی

با دقت در مردم جامعه درمی‌یابیم که افراد زیادی هستند که در خدمت مردمند اما اندازه و مقدار خدمت آن‌ها به هموعان متفاوت است. حال این سؤال مطرح می‌شود که بالاترین خدمت به بشر چیست و عهده‌دار آنچه کسانی و با چه ویژگی‌هایی هستند؟ یکی از دستورات مؤکد خداوند متعال و دین مقدس اسلام، جهاد و مبارزه علیه دشمن است که «إحدى الحُسُنَین» را به دنبال دارد یعنی بادافره آن رسیدن به پیروزی یا شهادت است که نصیب مجاهد می‌شود که البته هر یک توفیقی بس عظیم است. مجاهد مسیر خود را آگاهانه انتخاب کرده و جان خود را که عزیزترین موهبت الهی است، به جانان تقدیم می‌کند و بدین روی جهاد و شهادت را می‌توان بالاترین خدمت به بشر به حساب آورد. نویسنده در پژوهش پیش رو در پاسخ به سؤال توانسته است با استفاده از برخی مؤلفه‌ها و اصول خدمتگزاری تا حدودی اثبات نماید که خدمتی فراتر از جهاد و شهادت و خدمتگزاری بالاتر از مجاهد و شهید نیست.

پیشینه پژوهش

درباره جهاد و شهادت کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری نگاشته شده است. این منابع به ارزش جهاد و مبارزه در راه خدا و همچنین جایگاه رفیع شهادت پرداخته‌اند. نیز برخی از امهات کتب حدیثی و روایی، بخشی را به این موضوعات اختصاص داده‌اند. وجه تمایز پژوهش حاضر، تأکید بر جنبه‌های گوناگون الگوبودن مجاهد و شهید است.

روش پژوهش

در فرایند پژوهش می‌توان به روش‌های گوناگون عمل کرد و از ابزار گوناگون سود جست. در این نوشتار، پژوهشگر بر آن بوده است که به روش توصیفی اقدام نماید. در این روش، محقق وضعیت کنونی موضوعی را مورد مطالعه قرار داده و به توصیف و تفسیر شرایط و روابط موجود پرداخته، به بیان تعریف کامل‌تر و تفاوت آن با سایر پدیده‌ها می‌پردازد. هدف اصلی از انجام این نوع پژوهش، توصیف عینی - واقعی خصوصیات یک موقعیت یا یک موضوع است. به‌هر حال نویسنده این مقاله با استناد به منابع کتابخانه‌ای از جمله قرآن کریم و احادیث معصومان (ع) جنبه‌های گوناگون الگوبودن جهادگران و شهیدان در خدمت به انسانیت را بررسی و تبیین می‌نماید.

۱. معنی مجاهد و شهید

۱. ۱. مجاهد و شهید در لغت

«مجاهد» به معنی جد و جهدکننده و کارزارکننده با دشمنان در راه خداست (دهخدا، ۱۳۵۰: ذیل مجاهد). برای واژه «شهید» معانی گوناگون ذکر شده است: گواه، کشته‌شدن در راه خدا (معلوف، ۱۳۷۸ ش / ۱۴۲۰ ق: ذیل ش. ه. د)، کسی که چیزی از او پوشیده نیست (فیروزآبادی، ۱۹۹۱ م، ج ۱: ذیل ش. ه. د)، خبر دادن به آنچه دیده شود، مجموع آنچه با حس درک‌کردنی است (ابراهیم مصطفی و دیگران، ۱۹۷۲ م، ج ۱: ذیل ش. ه. د)، حاضر، شاهد، عالم به غیب، یکی از اسمای حسنای خداوند، کشته‌شدن در راه خدا و دین (معین، ۱۳۷۱: ذیل شهید)، گواه، امین در شهادت، کسی که در راه خدا و در راه خدمت به مردم کشته شود (دهخدا، ۱۳۵۰: ذیل

شهید). شهید گاه به‌وسیله سخن و گاهی به‌وسیله عمل کشته‌شدن، در راه اهداف پاک، گواهی می‌دهد (فوادیان، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۱۱). معمول‌ترین معنی این لغت که بیش از پنجاه‌وشش بار به شکل مفرد و جمع در قرآن کریم به کار رفته، «شاهد عینی» یا «شاهد» در مفهوم حقیقی است.

۱. ۲. مجاهد و شهید در اصطلاح

مجاهد در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که برای دین، آزادی و وطن با دشمن جهاد و مبارزه کند. در تعریف اصطلاحی شهید گفته‌اند: شهید کسی است که در میدان جنگ در خدمت امام (ع) یا نایب خاصش کشته شود و هرکس که در حفظ اسلام در زمان غیبت امام (ع) کشته شود، به او ملحق می‌شود (همان). از سوی دیگر عمل شهادت در اسلام، بیان لا اله الا الله، محمد (ص) رسول‌الله تا نهایی‌ترین وجه شهادت یعنی فداکردن زندگی خود برای استقرار یا دفاع از آرمان‌های اسلامی است (کرمانی، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۱). نیز گفته شده که شهید کسی است که حقیقت و هدف الهی را درک کرده و برای این حقیقت پایداری نموده و جان داده است. همچنین شهید کسی است که حق و حقیقت را شهود و هدف آن را مشاهده کرده و در این راه در خاک و خون غلتیده است (حسینی، بی‌تا: ۴۸-۴۷).

۱. ۳. چرا شهید را شهید می‌گویند؟

نویسندگان در این باره دیدگاه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۶: ۱۵۶-۱۵۵؛ قاضی زاهدی گلپایگانی، ۱۳۶۱: ۴۷-۴۶؛ ذاکری، بی‌تا ۷۶-۷۵):

- شهید از اسامی خداوند است یعنی آنکه چیزی از او پنهان و غائب نمی‌ماند؛
- شهید، شهادت حق را در راه خدا بر پا کرده و عملاً به حق شهادت می‌دهد؛
- شهید، روز قیامت گواه بر امت‌های دیگر است؛
- شهید، ملکوت و مُلک خداوند را مشاهده می‌کند؛
- شهید، زنده و نزد پروردگارش حاضر است؛
- خداوند و فرشتگانش بهشت را برای شهید گواهی می‌دهند؛

- فرشتگان، شهید را مشاهده می‌کنند و گرد و غبار را از صورت شهید پاک کرده و او را به بهشت و کرامت و رحمت خدا بشارت می‌دهند؛
- شهید از جمله کسانی است که خداوند متعال او را به همراه پیامبر (ص) در قیامت برای رسیدگی به اعمال امت‌های گذشته به شهادت می‌گیرد؛
- در زمان شهادت و هنگام افتادنش به زمین و گواهی دادن زمین بر افتادن او، شهید نامیده می‌شود؛
- شهید، شاهد آن چیزی است که خداوند برای او پیش از قیامت آماده کرده است. به نظر می‌رسد که واژه شهید برای نخستین بار توسط شخص پیامبر اکرم (ص) بر کشته در راه خدا اطلاق شده است: «جِرَاحُكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَنْ قُتِلَ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ شَهِيدٌ» (واقعی، ۱۳۶۲: ۴۷۴). زخم و جراحت‌هایی که بر شما وارد می‌شود در راه خدا است و هرکس از شما که کشته شود، شهید است.

۲. خدمت‌رسانی

۲. ۱. خدمت در لغت

برای واژه «خدمت» معانی مختلفی در کتاب‌های لغت آمده است: کار، مأموریت، خدمت‌کردن، کاری را برای کسی انجام‌دادن (معین، ۱۳۷۱: ذیل خدمت)، تلاش برای رساندن خیر به دیگران، گره‌گشایی از کار مردم، یآوری درماندگان و نیازمندان (برجی، ۱۳۸۲: ۴).

خدمتگزار نیز کسی است که کمر خدمت برای مردم بسته و در غم، شادی، راحتی و رنج مردم در کنارشان هست و از هرچه در توان دارد مضایقه نمی‌کند (برجی، ۱۳۸۲: ۴).

۲. ۲. خدمت در اسلام

در تعداد زیادی از آیات قرآن کریم به خدمت‌رسانی اشاره شده است. عمل خدمتگزاری و خدمت‌رسانی با عنوان‌هایی از قبیل عمل صالح، احسان، نیکی و غیره یاد شده است (برجی، ۱۳۸۲: ۸).

احادیث بسیار از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) درباره اهمیت خدمت به مردم آمده است. به تعدادی از این احادیث اشاره می‌شود: نبی مکرم اسلام (ص) فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَهْتَمُّ (لَمْ يَهْتَمِّ) بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.» (کلینی رازی، بی تا ج ۳: ۲۳۸) هرکس صبح برخیزد و اهمیتی به امور مسلمانان نداشته باشد، مسلمان نیست. نیز از ایشان نقل شده است: «الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُ اللَّهِ وَأَحِبُّهُمْ إِلَيْهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ.» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۱: ۱۸۶) همه مردم، افراد خانواده خداوند هستند، نزد او دوست داشتنی تر کسی است که برای افراد خانواده‌اش سودمندتر است. از دیگر فرمایش‌های رسول خدا (ص) است: «مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.» (حر عاملی، بی تا ج ۱۱: ۱۰۸) هرکس فریاد انسانی را بشنود که ای مسلمانان [به دادم برسید] اما به او پاسخ نگوید، مسلمان نیست.

۳. مجاهدان و شهیدان، الگوهای خدمت به انسانیت

هرگاه در مکانی از کشور و حتی خارج از آن، خطری متوجه گروهی از مسلمانان شود، بر سایر مسلمانان لازم است که در حد توان برای هم‌کیشان خود تلاش کنند. چه خدمتی بالاتر از این‌که افراد دست به جهاد زنند و جان خویش را در راه دین، میهن، هم‌نوعان و هم‌کیشان خود فدا کنند. شأن و جایگاه این مجاهدان و شهیدان از سایر خدمتگزاران بیشتر است. همه مردم و حتی سایر خدمتگزاران به خلق در هر شغلی که هستند، مدیون آنان هستند چراکه نیازمند محیطی مساعد و آرامند تا خدمت خودشان را به خوبی انجام دهند. بدین گونه جهادگران و شهیدان با از خودگذشتگی، این محیط را برای آنان فراهم می‌کنند (آل هاشم، ۱۳۶۴: ۲۵۷). چیزی ارزشمندتر از جان آدمی نیست ولی رزمنده و شهید بهترین خدمت را به بشر می‌کنند. به‌راستی که ایشان والاترین الگوی خدمت به انسانیت هستند.

جنبه‌های گوناگون اسوه‌بودن شهید و مجاهدی که در پی «إحدى الحسنین»^۱ است، از این قرار است:

۱. احدی الحسنین: رزمنده در جنگ به یکی از دو نیکی می‌رسد یا پیروزی و یا شهادت در راه خدا.

۳. ۱. الگوی نجات محرومان

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «و ما لَكُمْ لِاتِّقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنْ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ ...» (نساء، ۷۵) چرا در راه خدا و در راه مردان، زنان و کودکانی که [به دست ستمگران] ضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟ ذات باری تعالی در این آیه مجاهدان را وسیله رهایی محرومان دانسته است. به عبارت دیگر به مؤمنان، ضرورت جهاد در راه خدا را تأکید می‌کند تا از این طریق، مستضعفان و محرومان رهایی‌یافته شوند. شهید با نثار قطره‌های خون پاکش در پیکر جامعه، خون زنده و گرمی جاری می‌کند و موانع تکامل بندگان خدا را از میان برمی‌دارد؛ بندهای اسارت را می‌گسلد، مستضعفان را رهایی می‌بخشد و راه را برای حکومت خدا و خداگونه‌ها در زمین هموار می‌سازد (عمید زنجانی، بی تا: ۱۲۴).

۳. ۲. الگوی هدایت و تبلیغ دین

هدایتگری یکی از الگوهای مجاهد و شهید در دین اسلام شمرده می‌شود. اگر دشمن در گمراهی و ضلالت خویش کشته شود، جهاد تنها برای مجاهدان سودمند بوده است اما اگر در این جهاد، دشمن هم زنده مانده و هدایت شود، بسیار ارزشمندتر است (عمید زنجانی، بی تا: ۴۴). در این باره امام علی (ع) می‌فرماید: «أَمَّا قَوْلُكُمْ أَكَلٌ ذَلِكَ كَرَاهِيهِ الْمَوْتِ فَوَاللَّهِ مَا أَبَالِي دَخَلْتُ إِلَى الْمَوْتِ أَوْ خَرَجَ الْمَوْتُ إِلَيَّ وَ أَمَّا قَوْلُكُمْ شَكَاؤُ فِي أَهْلِ الشَّامِ فَوَاللَّهِ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْمًا إِلَّا وَ أَنَا أَطْمَعُ أَنْ تَلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِيَ بِي وَ تَعُشُّوا إِلَيَّ ضَوْئِي وَ ذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقْتُلَهَا عَلَى ضَلَالِهَا وَ إِنْ كَانَتْ تَبَوُّءُ بَاتِمَاهَا.» (شهیدی، ۱۳۷۶، خطبه ۵۵: ۴۶) اما گفته شما که این همه درنگ به خاطر ناخوش داشتن مرگ است، به خدا پروا ندارم که من به آستانه مرگ درآیم یا مرگ به سراغ من آید؛ اما گفته شما که در جنگ با شامیان دودل مانده‌ام؛ به خدا که یک روز جنگ را واپس نیفکنده‌ام جز که امید داشتم گروهی به سوی من آیند و به راه حق گرایند و به نور هدایت من، راه پیمایند. این مرا خوشتر است تا شامیان را بکشم و گمراه باشند، هرچند خود، گردن‌گیرنده گناه باشند.

در صدر اسلام نمونه‌های زیادی از جان‌گذشتگی مسلمانان را مشاهده می‌کنیم که در راه تبلیغ دین و آموزش قرآن و احکام اسلامی به شهادت رسیده‌اند. حادثه «رَجِيع» از این جمله

است که شش نفر از مسلمانان که برای تعلیم دین به سوی قبایل عَصَل و قاره فرستاده شده بودند، به وسیله آنها و قریشیان به شهادت رسیدند (فیاض، ۱۳۶۹: ۹۴). واقعه اسفناک دیگر «بئر معونه» است که چهل یا هفتاد صحابه پیامبر برای ارشاد قبیله بنی عامر فرستاده می‌شوند و به وسیله بنی سلیم به شهادت می‌رسند (فیاض، ۱۳۶۹: ۹۵-۹۴).

رجزخوانی حضرت ابوالفضل (ع) در کربلا، گوشه‌ای از هدایتگری در واقعه عاشورا است (مجلسی، ج ۴۵، بی تا: ۴۰):

وَاللّٰهِ اِنْ قَطَعْتُمْوَا يَمِينِي
اِنِّي اُحَامِي اَبْدًا عَنْ دِينِي

به خدا قسم! اگرچه دست راست مرا قطع کرده‌اید، باز هم بدانید که من از دینم حمایت خواهم کرد.

۳.۳. الگوی دادوستد با خدا

در قرآن کریم آمده است: «اِنَّ اللّٰهَ اشْتَرٰى مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنْفُسَهُمْ وَاَمْوَالَهُمْ بِاَنْ لَّهُمْ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُوْنَ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ فَيَقْتُلُوْنَ وَاَوْقَتُلُوْنَ». (توبه، ۱۱۰) خداوند جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده است. آنها در راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان دین را به قتل برسانند و یا خود کشته شوند. به حق مجاهدان و شهیدان را می‌توان معامله‌گران باخدا دانست. آیا می‌تواند کسی از میان مردمان این‌گونه جایگاه والایی داشته باشد!

۳.۴. الگوی برترین منصب

ذات باری در قرآن کریم ارزش مجاهد در راه خدا را برتر از مناصب بزرگی همچون سقایت (آب‌دادن) حاجیان و تعمیر مسجدالحرام بیان می‌کند. در سوره توبه آمده است: «اَجْعَلْتُمْ سَقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَ جَاهِدَ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ لَا يَسْتَوُوْنَ عِنْدَ اللّٰهِ». (توبه، ۱۹) آیا مقام و ارزش آب‌دادن به حاجیان و تعمیر مسجدالحرام را با مقام آن کس که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده است، برابر می‌دانید؟ هرگز نزد خداوند یکسان نیستند.

۳. ۵. الگوی صیانت از پرستشگاه‌ها

خداوند در قرآن می‌فرماید: «... وَ لَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدٌ...» (حج، ۴۰) اگر خدا دفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر نکند، همانا صومعه‌ها، دیرها، کنش‌ها و مساجدی که در آن‌ها بسیار ذکر خدا می‌شود، همه خراب و ویران می‌شد. هرآینه این حفاظت و مراقبت تنها توسط مجاهد در راه خدا صورت می‌گیرد و چه بسا که جانش هم در این راه قربانی شود.

۳. ۶. الگوی دفع فساد و تباهی

در قرآن کریم آمده است: «وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَ لَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ.» (بقره، ۲۵۰) و اما خدا فساد و تباهی گروهی را به وسیله گروهی دیگر دفع می‌کند که خداوند بر مردم، مهربان و بخشنده است. دفع فساد از وظایف مؤمن است و شهادت فرد در این مجاهدت دور از انتظار نیست.

۳. ۷. الگوی برقراری عدالت

خداوند متعال می‌فرماید: «وَ أَنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ أَحَدِيَهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.» (حجرات، ۹) اگر دو گروه از طوایف اهل ایمان با یکدیگر به دشمنی و جنگ برخیزند شما مؤمنان باید در میان آن‌ها صلح برقرار کنید پس اگر یک قوم بر قوم دیگری ظلم و تجاوز کرد، با آن طایفه ظالم، جنگ کنید تا به فرمان خدا بازگردد. پس در صورتی که به حکم حق باز آمد، میان دو گروه را صلح دهید و با مساوات و عدالت رفتار کنید. خداوند متعال برای بقا و پایداری صلح و آشتی میان مسلمانان و ایجاد وحدت میان آنان، اجازه جهاد با گروه متجاوز از مسلمانان را می‌دهد تا عدل و قسط در میانشان برپا شود. این‌گونه است که مجاهد در راه خدا سبب‌ساز اجرای عدالت شده و محتمل است که جان خود را هم در این راه از دست بدهد.

۳. ۸. الگوی اصلاحگری جامعه

مجاهد و شهید با جهادش تنها در سودای گسترش و ترویج اسلام نیست بلکه در جهت اصلاحگری و به منظور سعادت و تکامل بشر قدم برمی‌دارد. او در پی تغییر عادات و آداب جامعه به شکلی صحیح بوده و به ایجاد انقلاب عقلی می‌اندیشد (فارسی، بی‌تا: ۲۳-۲۲). شهید مطهری نیز در این باره می‌نویسد: «منطق او [شهید]، منطقی است آمیخته با منطق عشق، آن هم منطق عشق الهی از یک طرف و منطق اصلاح و مصلح، از طرف دیگر؛ یعنی دوتا منطق را اگر با همدیگر ترکیب کنید، منطق یک آدم مصلح دل‌سوخته، برای اجتماع خودش و منطق یک عارف عاشق لقای پروردگار، برای خودش [است.]» (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۲۴: ۴۶۲)

۳. ۹. الگوی برقراری آسایش و آرامش

رسول اکرم (ص) فرموده است: «كُلُّ مَيِّتٍ يُخْتَمُ عَلَيْهِ إِلَّا الْمُرَابِطُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنَّهُ يَنْمُو لَهُ عَمَلُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَيُؤْمَنُ مِنَ الْفِتَنِ الْقَبْرِ.» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱: ۴۰) هر انسانی به صرف مردن، عملش به پایان می‌رسد مگر کسی که در راه خدا مرزبانی کند که او به واسطه شهادت، اعمالش تا روز قیامت افزوده می‌شود تا از عذاب قبر در امان بماند. پیامبر اکرم (ص) در جای دیگر می‌فرماید: «الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ وَ لَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ وَالسُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ.» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۱: باب ۱، ح ۱) تمام خوبی‌ها و ارزش‌ها در شمشیر و زیر سایه شمشیر است. شمشیر است که مردان خیانتکار و آلوده را سر جایشان می‌نشانند و شمشیرها هستند که کلید بهشت و دوزخند. بدین شکل ضرورت وجود جهادگر روشن می‌شود تا مردم در جامعه احساس آرامش و آسایش کنند. به هر روی ممکن است که این مجاهدان در این راه جانشان را هم تقدیم جانان کنند. شاعر در این باره گوید (رزاقی طالقانی، ۱۳۶۹: ۲۳):

بسا ستاره که گمنام و از نظر دورند ولی چراغ سپهرند و چشمه نورند
به لوح عرش بود نامشان، نه لوح مزار ستارگان سپهرند اگرچه در گورند

۳. ۱۰. الگوی عزت بخشی

از امام صادق (ع) نقل شده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «أَغْرُوا تُورِثُوا أَبْنَاءَكُمْ مَجْدًا.» (نوری، ۱۳۶۷: ۱۳۸-۱۳۹) به میدان جنگ و جهاد بروید و در راه خدا پیکار کنید تا شوکت و عظمت را برای فرزندان خود فراهم کنید. نیز از امیر بیان، علی (ع) منقول است: «الْجِهَادُ عَزٌّ لِلْإِسْلَامِ.» (بنیاد نهج البلاغه، بی تا: ۴۸) جهاد باعث عزت اسلام است. مجاهد و شهید، خون خویش را با عشق کامل خدایی، در راه خدا و با قصد نجات از محدوده‌های کوچک مادی بر زمین می‌ریزد. خون پاکش دامن سیاه تاریخ بشریت را رنگ خدایی داده و به نجات و رهایی انسان رهنمون می‌گرداند (فصیحی، بی تا: ۴۹). این خون‌های مقدس است که چون روح، به کالبد جوامع بی‌جان، حیات و حرکت می‌بخشد و بقای نظام اسلامی را تضمین می‌کند و عزت، عظمت، عدالت، حریت و پاکی را به ارمغان می‌آورد و نیز معیار زندگی و آغاز زندگی و شروع حرکت‌ها و نهضت‌ها و پایان بدعت‌ها و ذلت‌ها می‌شود (رزاقی طالقانی، ۱۳۶۹: ۱۱۰-۱۰۹). خون شهید، بس مقدس و پر بها است. پیامبر اکرم (ص) درباره خون شهید فرمود: «مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَطْرَةٍ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۸) برای خداوند هیچ قطره‌ای محبوب‌تر از قطره خونی نیست که در راه خدا ریخته شود.

۳. ۱۱. الگوی حیات بخشی

جهادکنندگان در راه حق و کسانی که در این مسیر جانشان را فدا می‌کنند، گویی زندگی و حیاتی تازه و جاودانه به جامعه می‌بخشند. آن‌ها چون شمع‌اند؛ می‌سوزند و می‌گدازند؛ نور می‌دهند و روشنایی می‌بخشند. شهید مطهری در این باره گوید: «مَثَلُ شَهِيدٍ مَثَلُ شَمْعٍ اسْتِ كِهْ خِدْمَتِشْ اَز نَوْعِ سُوخْتِهْ شَدْنِ وَ فَاْنِ شَدْنِ وَ پَرْتَوْافَكَنْدَنْ اسْتِ تا ديگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده، بنشینند و آسایش یابند و کار خویش را انجام دهند. شهدا شمع محفل بشریت‌اند. سوختند و محفل بشریت را روشن کردند. اگر این محفل، تاریک می‌ماند، هیچ دستگاهی نمی‌توانست کار خود را آغاز کند یا ادامه دهد ... شهدا پرتوافشانان و شمع‌های فروزنده اجتماع‌اند که اگر پرتوافشانی آن‌ها در ظلمات استبدادها و استعبادها نبود، بشر ره به

جایی نمی‌برد.» (مطهری، ۱۳۵۴: ۷۷-۷۴) به دیگر سخن، شهید به‌مثابه شمع است، نه شمعی برای روشنی محفل جامعه اسلامی، بلکه روشن‌کننده تاریخ بشریت (آل هاشم، ۱۳۶۴: ۲۵۵).

شاعر، زبان حال شهید را این‌گونه بازگو می‌کند (ذاکری، بی‌تا: ۳۷):

ما جان به خدا دادیم تا زنده شما باشید
بر خاک مزار ما، یک دم به دعا باشید
چون شمع وجود ما، قربان شما گردید
روشنگر شمع ما، شاید که شما باشید
شاعر دیگر در این‌باره می‌گوید (رزاقی طالقانی، ۱۳۶۹: ۱۱۶-۱۱۵):

۳. ۱۲. الگوی نیکوکاری

غم هجرت همیشه در دل ما	شهید! ای شور و شمع محفل ما
امیدی، اسوه‌ای در هر دلی تو	شهیدی، شاهدی، نوری، گلی تو
که بوی عشق می‌آید ز خاکت	فدای پیکر صد چاک‌چاکت
بهای خون تو، آزادی ما	عزیز و آبرو و شادی ما
ز خونت پشت اهریمن شکستی	ز رزمت راه بر دشمن ببستی
ز خاکت زندگانی‌ها بجوشد	ز خون تو قیام حق خروشد
تو امت زنده، خود پاینده کردی	ز خونت دین حق را زنده کردی
وز او سازم همی مهر نمازم	ز خاک قبر تو تسبیح سازم
چه، خاک تربت بوسیدنی شد	ره و یارت همیشه ماندنی شد

رسول خدا (ص) در این‌باره می‌فرماید: «فَوَقَّ كُلُّ ذِي بَرٍّ، بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ.» (کلینی رازی، بی‌تا ج ۲: ۳۴۸) بالاتر از هر نیکوکاری، نیکوکاری دیگری است تا آنجایی که فرد در راه خدا شهید شود. همین‌که در راه خدا شهید شد، بالاتر از او نیست. طبق این حدیث شریف نبوی، جهاد در راه خدا و شهادت در این مسیر، عالی‌ترین مرتبه نیکوکاری و احسان به بشریت است.

۳. ۱۳. الگوی ایثار

هنگامی که به تاریخ صدر اسلام می‌نگریم، نمونه‌های ایثار و ازجان‌گذشتگی مجاهدان را در صحنه جنگ و غیرجنگ مشاهده می‌کنیم. نمونه والای ایثار، امام علی (ع) است. امام (ع) در ليله‌المبیت با آگاهی از درخطر بودن پیامبر اکرم (ص)، به جای ایشان در بستر خوابید و به استقبال شهادت رفت. خداوند متعال درباره این فداکاری می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره، ۲۰۷) بعضی از مردم جان خود را برای خشنودی خدا فدا می‌کنند و خداوند نسبت به بندگانش بسیار مهربان است.

نقل شده که مجاهدی در جنگ احد برای مجروحی تشنه، آب برد اما او اشاره به مجروح دیگر کرد تا برایش آب ببرد. تا سه و به قولی هشت نفر آب را برد ولی نپذیرفتند و زمانی که به آخرین نفر رسید دریافت که به شهادت رسیده است. زمانی که بازگشت، دید رزمندگان قبلی نیز به شهادت رسیده‌اند (حسینی سیقانی، ۱۳۶۴: ۵۷).

۳. ۱۴. الگوی انسان‌دوستی

شاعری در این باره چنین سروده است (ذاکری، بی‌تا: ۱۰):

در راه دوست کشته‌شدن، آرزوی ماست دشمن اگرچه تشنه به خون گلوی ماست
گردیم دور یار چو پروانه دور شمع چون سوختن در آتش عشق، آرزوی ماست

مجاهدان به عشق انسان‌ها و خدمت به هم‌نوعانشان با دشمن می‌جنگند و در این راه، جام شهادت سر می‌کشند. آن‌ها حتی به دشمنانشان هم مهر و محبت دارند و درصدد کمک به آن‌ها هستند و به هدایت آن‌ها می‌اندیشند. یک نمونه بارز و متعالی انسان‌دوستی، دگرخواهی و خدمت، امام حسین (ع) است. او با تمام وجود به مردم عشق می‌ورزید و در راه نجات و سعادت آنان تلاش می‌کرد. شهید مطهری در این باره نوشته است: «بدبختی دشمنان پیامبر (ص) بر وی گران بود. آنان خودشان که نمی‌فهمیدند. این بدبختی‌ها بر ابا عبدالله (ع) [هم] گران بود. عمامه پیامبر را بر سر می‌گذارد، لباس پیامبر را می‌پوشد، سوار اسب می‌شود و به سوی آن‌ها می‌رود؛ بلکه بتواند از این گروه شقاوت کار، کسی را هدایت کند. در اینجا می‌بینیم حسین

(ع) یکپارچه محبت است؛ یکپارچه دوستی است که حتی دشمنان خودش را هم واقعاً دوست دارد. (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱: ۳۰۰ - ۲۹۹). نویسنده دیگر درباره اوج انسان دوستی امام حسین (ع) می نویسد: «چون امام حسین (ع) به منزل شَراف رسید، سحرگاه به جوانانش فرمان داد تا از آنجا مقدار زیادی آب برداشتند و به سوی کوفه حرکت کردند. هنگام ظهر بود که سپاه حربن یزید ریاحی مقابل امام (ع) قرار گرفت. هوا بی اندازه گرم بود. حضرت به جوانانش فرمود: به آنان آب دهید و ایشان و اسبانشان را سیراب کنید. جوانان برخاستند و سپاهیان و اسبان لشکر حر را سیراب کردند. علی بن طعان محاربی می گوید: در آن روز من از سپاهیان حر بودم که از همه دیرتر رسیدم. پس چون حسین (ع) من و مرکبم را تشنه یافت، خود به سراغم آمد و فرمود: شترت را بخوابان و خود و شترت را سیراب کن. چون من نتوانستم به درستی از مشک آب استفاده کنم، خود امام (ع) برخاست و با دست خویش من و مرکبم را سیراب کرد» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۱: ۱۹۶).

۳. ۱۵. الگوی دفاع از خانواده

جهاد و مبارزه و شهادت تنها برای حفظ و صیانت از دین و میهن و آرمان های دینی و ملی مصداق ندارد بلکه اگر فرد برای محافظت از خانواده درگیر شود و در این راه کشته شود نیز هم ردیف مجاهد در راه خدا و شهید است. رسول خدا (ص) در این زمینه فرموده است: «مَنْ قُتِلَ دُونَ عِيَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ.» (شیخ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۶: ۱۵۷) کسی که در راه دفاع از حریم خانواده اش کشته شود، شهید است.

۳. ۱۶. الگوی شفاعت در قیامت

مجاهد شهید نه تنها در این دنیا برای بشر سودمند است، بلکه در جهان آخرت نیز خدمتگزار بشریت و به ویژه مؤمنان است چراکه او از زمره شفاعت کنندگان قرار دارد. نبی مکرم اسلام (ص) فرموده است: «ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَيَشْفَعُهُمْ، الْأَنْبِيَاءُ، الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشَّهَدَاءُ.» (قاضی زاهدی، ۱۳۶۱: ۳۴) خداوند شفاعت سه گروه را در قیامت می پذیرد: پیامبران، دانشمندان و شهیدان. در روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «يَشْفَعُ الشَّهِيدُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَقَارِبِهِ» (موسایی، ۱۳۶۹: ۱۴۱) شهید هفتاد تن از بستگان خود را شفاعت می کند.

بحث و نتیجه‌گیری

خدمت‌رسانی به عملی شایسته اطلاق می‌شود که فرد خودآگاه نسبت به دیگران همکاری یا نیکی کند. این کار نزد غالب افراد با هر کیش و مرام، امری پسندیده است. دین مقدس اسلام نیز به انجام آن تأکید فراوان دارد. آدمی می‌تواند از راه‌های گوناگون در جهت خدمت به خلق برآید. خدمت به خلق، حد و مرزی نمی‌شناسد اما منتهای خدمت‌رسانی را می‌توان «جهاد» و «شهادت» تصور نمود. جهادگر بااطلاع از اصول و مؤلفه‌هایی که بدان پایبند می‌باشد و آن نشأت گرفته از آگاهی‌های فطری، دینی و اعتقادی است، در این مسیر ره می‌سپارد. وی با مبارزه‌اش عالی‌ترین خدمت را به جامعه می‌کند. او ست که با مبارزه بی‌امان و درنهایت دمیدن خون سرخش به شریان‌های جامعه، بدان حیاتی دوباره و حرکت می‌بخشد. به یقین اوست که بهترین الگو برای جامعه بوده و حتی پس از مرگ و به روز حشر، شافعی برای دیگران می‌باشد. از مصادیق بارز این افراد در تاریخ صدر اسلام و دوره معاصر می‌توانیم از مجاهدان و شهیدان عصر پیامبر اکرم (ص) و معصومان (ع) تا رزمندگان و شهیدان جنگ تحمیلی یاد کنیم.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- آل هاشم، سیدمحمدتقی (۱۳۶۴). جنگ و شهادت در اسلام، تبریز: بی‌نا، چاپ اول.
- ابراهیم مصطفی و دیگران (۱۹۷۲ م). المعجم الوسیط، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- برجی، یعقوب علی (۱۳۸۲). خدمت‌رسانی از دیدگاه قرآن، تهران: مؤسسه شقایق روستا.
- بنیاد نهج‌البلاغه (بی‌تا). نگاهی به ارکان اسلام در نهج‌البلاغه، مشهد: مؤسسه فرهنگی، هنری و انتشاراتی ضریح آفتاب.
- حر عاملی (۱۴۱۴ ق). وسائل الشیعه، قم: آل‌البیت.
- حسینی، سید محمود (بی‌تا). جهاد و شهادت، بی‌جا: بی‌نا.
- حسینی سیقانی، حسین علی (۱۳۶۴). تحفه الشهداء، مشهد: بی‌نا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۱). مدرسه حسینی، تهران: انتشارات دریا، چاپ دوازدهم.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۰). لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذاکری، سیدمجتبی (بی‌تا). مقام شهید در پیشگاه پروردگار، بی‌جا: کانون صندوق‌های پس‌انداز و قرض‌الحسنه استان خراسان، چاپ دوم.
- رزاقی طالقانی، علی (۱۳۶۹). حماسه شهادت، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- سید رضی (۱۳۷۶). نهج‌البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دهم.
- شیخ طوسی (۱۳۶۴). التهذیب، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- عمید زنجانی، عباسعلی (بی‌تا). جهاد از دیدگاه امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- فارسی، جلال‌الدین (بی‌تا). جهاد، حد نهائی تکامل، تهران: انتشارات جهان‌آرا.
- فصیحی، محمد سالم (بی‌تا). جهاد در اسلام، بی‌جا: بی‌نا.

فؤادیان، رمضان (۱۳۶۴). سیری در جهاد، تهران: انتشارات و تبلیغات فرهنگ انقلاب اسلامی، چاپ اول.

فیاض، علی اکبر (۱۳۶۹). تاریخ اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۹۹۱ م). القاموس المحيط، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
قاضی زاهدی گلپایگانی، احمد (۱۳۶۱). جهاد و شهادت در اسلام، قم: نمایشگاه و نشر کتاب.
کرمانی، طوبی (۱۳۸۱) شهید و شهادت، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.

کلینی رازی، ابی جعفر محمدبن یعقوب (بی تا). اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل البیت (ع).

مجلسی، محمدباقر (بی تا). بحارالانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۶۷). آمادگی رزمی و مزداری در اسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). حماسه حسینی، تهران: انتشارات صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۵۴). قیام و انقلاب مهدی به ضمیمه شهید، تهران: انتشارات وحی.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.

معلوف، لوئیس (۱۳۸۷). المنجد فی اللغة، تهران: نشر سپاس.

معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

موسایی، میثم (۱۳۶۹). حیات شهید، تهران: چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

نجفی، محمدحسن (صاحب جواهر) (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

نوری، حسین (۱۳۶۷). جهاد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

واقدی، محمدبن عمر (۱۳۶۲). مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.